



محمد

موسی

موسی در اوج قله شرافت ایستاد
و بخاطری میهن، مردم و اندیشه اش جان
داد

میرویس ودان محمودی
2011-3-13

موسی در اوج قله شرافت ایستاد و بخاطر میهن، مردم و اندیشه اش جان داد

موسی در اوج شرف و افتخار جان داد و تسلیم سوسیال فاشیسم روسی و مرتجعین و میهن فروشان و آدمکشان خلقی و پرچمی و خادی نشد! بله وی قهرمانانه با شرف و افتخار در بلند ترین نقطه تاریخ ایستاد و تا آخر هم پایین نیامد و در اوج بلندیهای غرور بجاودانگی تاریخی پیوست ستاره گشت و در آسمان میهن آزادگان چشمک زنان امید فردای روشن میدهد.

موسی فرزند احمد الله ولد صوفی محمد الله از مردمان سرشناس و بومی کابلستان بود. موسی مبارز در کوچه ای قدیمی کابل (بارانه) در یک فامیل مرفه در ۱۳۲۴ خورشیدی بدنیا آمد. ائیه عالی حبیبه را تمام کرد و شامل فاکولته حقوق گردید و در رشته حقوق بین الدول لیسانس بدست آورد. دولتهای فاسد فئودال کمپرادور که جز نور دیده های دربار و عواملی که با هزار و یک تسمه به در بار و "ضبط احوالات" اش بسته بودند دیگران را نمی پذیرفت بجای وزارت خارجه وی را در احصائیه مرکزی بکار گمارید و در هر شهر و روستا که اعزامش کرد وی با جبین گشوده قبول نمود.

وی از رفقاء و همزمان مجید قهرمان بود و در ایجاد سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) کار و پیکار نمود و چه جانانه و بیباکانه رزمید. در هر جائیکه دولتهای وقت فرستادش، اخلاق انقلابی اش خیلی جوانان را در صف شعله جاوید و بعداً ساما کشانید وی دارای تربیت عالی فامیلی و دارای تربیت اصولی و انقلابی بود. در آغاز دوران فعالیتهای جنبش دموکراتیک نوین (شعله جاوید) تحت تأثیر افکار آن قرار گرفت و تا جان در بدن داشت پروانه وار بدور شمع فروزان شعله جاوید عاشقانه چرخید و عاشقانه مرگ را پذیرا گشت. موسی مشهور به (مامد_محمد) را

مردم در حصه دوم کارته پروان بنام (شعله) میشناختند و از خصائل و مشخصه های اخلاقی و ی نهایت تمجید میکردند.

مردیکه همه هستی اش را فدای اندیشه و مردمش کرد و سر انجام بخاطر آرمان و الایش توسط دستگاه خاد جنایت پیشگان خلقی پرچی گرفتار گردید و بخاطر عضویتش در سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) به بیست سال حبس محکوم گردید . بعد از به اصطلاح "پروسه مصالحه ملی" و "عفو عمومی زندانیان سیاسی" رها گردید و بخاطر تداوم مبارزه اش در خارج از زندان بدست کثیف عوامل خاد کشته شد و به جاویدانگی پیوست .

موسی مردی بود که در سراسر افغانستان سفر کرد و آرمان و اهداف شعله جاوید را تبلیغ نمود و تعداد زیادی افراد را از افشار و طبقات زیر ستم جامعه جذب شعله جاوید نمود. موسی در زمان تجاوز روسها عملا به فعالیت های نظامی و چریکی پرداخت و تا جان در بدن داشت رزمید. من در آن وقت برایش پیامی بکابل فرستادم که شرایط را برایش فراهم میدارم تا برای مدت زمانی بخارج به سر برد . مگر وی در جوابم نوشت من فرزند این سرزمینم و تا که توان دارم بخاطرش میرزمم و آرزو دارم که در آغوش مردم بمیرم و از من خواست تا دو باره به میهن برگردم. بعد از رسیدن دو هفته نامه اش بمن پیام شهادتش قلب حزینم را لرزاند و تا که نفس میکشم راهش را ادامه میدهم.

اینکه رفقای نیمه راه و قدرنا شناسش منظورم جریان شعله نیست؛ " ساما" میباشد که در طول این سالها از وی و کارنامه های انقلابی اش یاد کرده است. همانطوریکه شاه محمد پر دل را یاد نکردند، انقلابیون از ملیتهای مختلف دیگر را یاد نکردند، گویا اصلا موسی ای در ساما وجود نداشت. تنها با مشهور نمودن چند نفری انگشت شمار از محلی های شان بر خون قرمز شهدای سامائی بیحرمتی روا داشتند که روزی فامیل های شهدای سامائی گریبان این رفقای نیمه راه و آنانرا که به آرمان شهداء خیانت کرده اند ، خواهد گرفت و آنها را محاکمه "وجدانی" خواهند کرد.

بگذار عده تحت نام و اندیشه مجید بزرگ به راه و رسم مجید قهرمان خیانت کنند.

بگذار عده ای تحت نام ساما بوتپاکی ناتو و آمریکا و دولت ارتجاعی کرزی را نمایند.

بگذار تحت پوشش ساما به افکار سکتاریستی، محلیگرایی و لسانی دامن زنند.

اما بدانند که "بارکج به منزل نمیرسد" و فردا آنها در پیشگاه مردم و پیشگاه انقلابیون باید جواب انحرافات شانرا بدهند. از آنانیکه هنوز به ساما وفادارند به جنگ های زرگری تسلیم شده اهمیتی قایل نشوند و صفوف شانرا در هر کجای که هستند متحد می گردانند. تمنا میکنم وقت آن فرارسیده است که صف شانرا از رفقای نیمه راه، تسلیم طلب و خائن جدا سازند و آنان را بی رحمانه افشا سازند و راه ایرا که مجید بزرگ ترسیم کرده بود باید بالای آن راه پا فشاری کرد و حرمتی گذاشت به آرمان و الای شهدای کبیر سامائی و دیگر انقلابیون مربوط سازمان جوانان مترقی و جریان شعله جاوید و به آنها ارج گذاشت و راه شان را ادامه داد.

بیانید همونوا و همصدا تحت یک درفش بخاطر رهائی و ایجاد جامعه عاری از ستم ملی و طبقاتی مبارزه کنیم و در ساختمان سرزمین ویران شده مان و ایجاد یک افغانستان نوین صادقانه تلاش ورزیم و وظیفه میهنی و انقلابی

خود را بشکل شائسته انجام دهیم و دستان ارتجاع منطقی و فرمانطقوی و باداران امپریالیستی شان را از سرنوشت میهن و مردم ما برای ابد کوتاه سازیم.

!موسی قهرمان!

قولی را که برایت داده بودم که تا واپسین نفس همراهیت خواهم بود، توانستم با افت و خیز و کمبودی ها، تهمتها و ترور شخصیتها درفشی را که از شش سالگی بدستم داده بودی، آندرفش را در هر جائی و در هر شرایطی بلند نگهداشتم و آرزومندم که تا به آخر آنرا بر دوش کشم و در راه آرمان والایت که آبادانی کشور جفادیده ات و آرامی مردم ستمکشیده و درد دیده ات بود از نثار خون ناچیزم دریغ نورزم

ای مردی مردانه

ای بزرگمرد

روح شاد و خاطره تابناک ات چراغ راه ما باد

خواهر زاده درد دیده و بلا کشیده ات (میرویس ودان محمودی)